

«شرق» در گفت‌وگو با محسن جلیوند اهداف سفر باقری‌کنی به نروژ را واکاوی کرد

تلاش برای مقابله با جوسازی‌های تند علیه تهران

عبدالرحمن فتح‌الهی؛ بعد از گزارش دوشنبه هفته جاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخصوص پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران این ارزیابی در حال تقویت است که در آستانه نشست شورای حکام آژانس، فضای سیاسی و دیپلماتیک نوعی تغییر معنادار را با هدف فشار همه‌جانبه به ایران تجربه می‌کند. از یک طرف دولت بایدن تویف و مصادره محموله نفتی ایران را در کنار اعمال تحریم‌ها علیه فروش نفت و عدم خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی کلید می‌زند؛ اسرائیل هم به گفته رسانه‌ها ترور نیروهای ایران و حمله به تأسیسات دفاعی را به موازات حملات مکرر به سوریه و برگزاری رزمایش‌ها در دستور کار قرار داده است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم با دو گزارش خود بازل فشار به تهران را تکمیل کرده است. با این تفاسیر هم‌زمانی سفر باقری‌کنی به نروژ با انتشار گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به چه معناست؟ پاسخ به این سؤال و پرسش‌هایی از این دست، محورگفت‌وگوی «شرق» با محسن جلیوند، استاد و تحلیلگر روابط بین‌الملل است که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

◆ **بعد از گزارش دوشنبه هفته جاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخصوص پرونده فعالیت هسته‌های ایران، دیروز سه‌شنبه علی باقری‌کنی راهی نروژ شد. آن‌گونه که معاون سیاسی در توپیتز خود اعلام کرده‌است: «در ادامه راپرتی‌های اخیر منطقه‌ای و بین‌المللی، امروز عازم اسلو شدم. گفت‌وگوهای جدی و سازنده درباره موضوعات دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در دستور کار این سفر است. در کنار کوشش برای پیشبرد منافع ملی از جمله لغو تحریم‌های غیرقانونی، توسعه روابط ایران و نروژ نیز مورد تأکید ماست.»**
پیرو همین توییت به باور شما هدف سفر باقری‌کنی به اسلو نکات فوق است یا تلاش برای مدیریت شرایط کنونی بعد از گزارش رافائل گروسی و احتمال رادیکال‌شدن فضا با هدف تصویب قطع‌نامه علیه ایران در نشست پیش‌روی شورای حکام؟

همان‌گونه که از فضای سیاسی و دیپلماتیک مشخص است، هیچ‌کدام از آن مواردی که علی باقری‌کنی در توپیتز خود نوشته است، نمی‌تواند دستور کار سفر او به نروژ باشد. چیزی به نام ارتقای روابط با اسلو، تلاش برای لغو تحریم‌ها و… عملاً موضع‌گیری دیپلماتیک صرف است. قطعا دستور اصلی سفر باقری‌کنی به نروژ تلاش برای این است که شرایط حساس کنونی به واسطه تداوم بن‌بست در مذاکرات وین که با گزارش دوشنبه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌مراتب شکننده‌تر شده است، قدری ترمیم و تعدیل شود که این فضای تند علیه تهران به صدور قطع‌نامه در نشست شورای حکام منجر نشود.

◆ **به باورتان باقری‌کنی در این مهم موفق می‌شود؟**

موفقیت یا عدم موفقیت باقری‌کنی در رسیدن به این هدف مستلزم پارامترهای متعددی است. مهم‌ترین مسئله این است که آیا معاون سیاسی وزارت امور خارجه در گفت‌وگوهای خود می‌تواند اعتماد طرفین درخصوص مسائل باقی‌مانده در پرونده فعالیت هسته‌ای و سؤالات آژانس را برطرف کند یا خیر؟

◆ **چرا اسلو؟**

هنوز برای من هم جای سؤال و ابهام فراوان دارد که چرا نروژ؟! اما اینجا خیلی این کشور یا آن شهر تفاوت می‌کند. چه اسلو، بروکسل، وین، پاریس یا هر جای دیگری چندان تعیین‌کننده نیست. آنچه تعیین‌کننده است، به رفتار تهران بازمی‌گردد.

اشتباه نکنید. منظور من بازی ایران است.

◆ **آن‌گونه که از فتوای کلام شما برمی‌آید، به نظر می‌رسد اقدامات هفته گذشته دولت بایدن از فشار به آتن برای توقیف و مصادره محموله نفتی در یونان تا تصمیم قاطع کاخ سفید برای عدم خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی و همچنین اعمال دور جدید تحریم‌ها علیه فروش نفت ایران و سفت‌کردن پیچ**



جای کار هم شرایط به نحوی رقم خورده است که حتی اگر امروز ایران درخواست رسمی برای ازسرگیری مذاکرات وین داشته باشد، واشنگتن با این عدم تمایل خود و اقداماتی که بایدن طی هفته گذشته انجام داده است، به دنبال تأخیر در مذاکرات خواهد بود که فضای سیاسی – اجتماعی بیشترین اثر خود را بر حوزه سیاست خارجی ایران بگذارد.

◆ **پس تهران در منگنه قرار گرفته است؟**

در منگنه قرار نگرفته است؛ راه‌های فراری وجود دارد؛ اما اگر بخواهیم تأخیر در مذاکرات را در دستور کار قرار بدیم، آمریکا و اسرائیل این راه‌های فرار را یکی پس از دیگری می‌بندند.

◆ **با توجه به گفته شما چرا تهران در این برهه حساس تمایلی به احیای برجام ندارد؟ آیا دولت رئیسی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند مذاکرات وین را به نتیجه برساند؟**

اولا تعیین تکلیف برجام و مذاکرات وین دست دولت نیست و یک مسئله فراقوه‌ای است. نکته مه‌تر این است که اگر به گفته‌های پنجشنبه هفته گذشته حسین امیرعبداللهیان در نشست داووس بازگردیم، وزیر امور خارجه دولت رئیسی صراحتا عنوان کرد در داخل کشور فشارهایی وجود دارد تا مذاکرات وین به نتیجه نرسد. این گفته‌ای بود که پیش از وی محمدجواد ظریف هم بارها تکرار کرده بود. حالا که دولت رئیسی روی کار آمده است و با مشکلات از نزدیک دست‌وپنجه نرم می‌کند، به این درک رسیده که بهترین، کم‌هزینه‌ترین و کوتاه‌ترین راه برای مدیریت چالش‌ها و بحران‌های داخلی، احیای برجام و لغو تحریم است، اما نکته اینجاست که مخالفان برجام، چه دلواپسان و چه کاسیان تحریم یا به هر اسم دیگری در مجلس و دیگر نهادها دولت را در بن‌بست قرار داده‌اند؛ اصلاح‌طلبان، مستقلین و بخشی از بدنه اصولگرایان که مکرر احیای برجام را خواستار شده‌اند؛ می‌ماند گروهی که خود را به آب‌وآتش می‌زنند که تحریم‌ها کماکان ادامه پیدا کند. این گفته حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه است؛ حتما چیزی می‌داند که این سخنان را در داووس گفته است. اصلاح‌طلبان و نظایر آنها که عملاً مهره غرب، جاسوس و خائن به ملت هستند و ادعایشان برای احیای برجام خیانت است. پس کارشکنی و چوب لای چرخ دولت گذاشتن کار همین گروه حداقلی است که منافع خود را بر منافع ملت ترجیح داده‌اند.

نروژ نتواند فضا را کنترل کند و شاهد یک فضای داغ و ملتهب در شورای حکام باشیم

که به صدور قطع‌نامه احتمالی علیه ایران منجر شود، آن زمان ایران شاید به سمت کام‌های دیگری برود اما درعین‌حال ذیل بحران داخل در ایران به همان اندازه می‌توان

انتظار داشت که تهران نوعی بازتعریف و تعدیل در سیاست‌های خود را اجرایی کند.

باید دید که پس از این سفر باقری‌کنی و در نشست پیشین شورای حکام چه اتفاقاتی روی می‌دهد؟ اما آن چیزی که قطعی است، امتیازگیری روسیه از ایران است. طبق گفته میخائیل اولیانوف نشست پیش‌روی شورای حکام با بحث‌های داغی همراه خواهد شد. این سخن حکایت از آن دارد که از هم‌اکنون مسکو به دنبال امتیازگیری از تهران است. چون این مواضع نماینده روسیه نشان می‌دهد که کرملین به دنبال حمایت از ایران در نشست شورای حکام خواهد بود اما برای حمایت خود نیاز به امتیازات بیشتری از جانب جمهوری اسلامی دارد. به‌خصوص که روسیه هم بعد از جنگ در یک شرایط متزلزل قرار دارد.

◆ **به وضعیت داخلی کشور اشاره کردید. وزن این پارامتر در تغییر معادلات چقدر است؟**
به نظر من یکی از پارامترهای مهم در تعیین فضای مذاکرات به همین فضای سیاسی – اجتماعی در ایران بازمی‌گردد. اتفاقا به همین دلیل است که دولت بایدن نوعی تعلل و تأخیر در بازگشت به برجام را از همان ابتدای اولتیش در دستور کار قرار داده بود و اکنون هم تمایلی به توافق با ایران ندارد. چون گمان می‌کند تحریم و سیاست فشار حداکثری وضعیت سیاسی – اجتماعی ایران را به یک نقطه شکننده رسانده است. با این جراحی اقتصادی دولت رئیسی و همچنین حوادث تلخ متروپل آبادان، واشنگتن به دنبال تعلل در مذاکرات است که فضای سیاسی – اجتماعی بیشترین تأثیر خود را بر کاهش توان چانه‌زنی دیپلماتیک ایران بگذارد.

◆ **چطور؟**
اگرچه انتقادات گسترده‌ای به عملکرد دولت روحانی در زمان تحریم‌ها وجود داشت اما دولت دوازدهم در نهایت نخواست یا نتوانست برخی اقدامات را اجرایی کند ولی زمانی که دولت رئیسی از همین ابتدا آزادسازی قیمت‌ها را اجرایی کرد، یک پالس مثبت و البته مخفی را به واشنگتن داد که سیاست فشار حداکثری اثر خود را گذاشته است. در این شرایط هرچقدر مذاکرات به تأخیر بیفتد، بیشتر به ضرر ایران است؛ چون تا همین

یک هماهنگی کامل علیه پرونده فعالیت هسته‌ای ایران قرار دارند. ضمن اینکه جنگ اوکراین، اروپا و آمریکا را به‌شدت به

هم نزدیک کرده است و چون ایران هم در جبهه روسیه قرار دارد، می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری در همراهی این دو (اروپا و آمریکا) علیه تهران در شورای حکام و فعال‌کردن مکانیسم ماشه عمل کند. درست است که از نظر فنی و حقوقی آمریکا با خروج از برجام توان فعال‌کردن مکانیسم ماشه را ندارد، اما اروپا مانند دوره ترامپ در مخالفت با واشنگتن قرار ندارد. کافی است بایدن از یکی از اعضای اروپایی‌س حاضر در برجام چنین درخواستی داشته باشد؛ بعید می‌دانم درخواست واشنگتن با پاسخ منفی لندن، پاریس یا برلین مواجه شود.

◆ **با خروج دونالد ترامپ از برجام، شاهد صبر استراتژیک یک‌ساله ایران بودیم. بعد از آن دولت دوازدهم‌گام‌های کاهش تعهدات هسته‌ای را در دستور کار قرار داد. در ادامه قانسون مجلس یازدهم موسوم به اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها هم شدت این کاهش تعهدات هسته‌ای ایران را بیشتر کرد. حال با این جزئیاتی که در گزارش دوشنبه رافائل گروسی علیه فعالیت‌های هسته‌ای مطرح شده است، تهران می‌تواند از نظر حقوقی روی منطق اقدام متقابل، ذیل بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام مانور بدهد؟**

سؤال شما تا اندازه‌ای به نکات قبلی من بازمی‌گردد. باز هم تکرار می‌کنم پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و برجام بیش از آنکه خوانش حقوقی و فنی داشته باشد، حالت سیاسی دارد. اگر پرونده ایران سیاسی نبود، می‌توانستیم با این منطق حقوقی برخی اقدامات خود را در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای بعد از خروج دونالد ترامپ از برجام توجیه کنیم؛ اما مسئله اینجاست که ما با یک پرونده سیاسی مواجهیم. بنابراین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم مبنای گزارش خود را مفاد مندرج در برجام قرار می‌دهد و بر اساس آن، گزارش‌های خود را درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران درباره تخلف یا عدم تخلف از مفاد برجامی تنظیم می‌کند و به شورای حکام ارائه می‌دهد. اگر قدرت سیاسی و دیپلماتیک ایران مانند آمریکا بالا بود، شاید آژانس هم مواضع تهران را جدی تلقی می‌کرد؛ اما به دلیل نفوذ واشنگتن در شورای حکام و سایه اسرائیل در میان اعضای این شورا، بعید می‌دانم منطق حقوقی ایران توجیهی برای رفتارش از مفاد برجام باشد. متأسفانه ذکر همین دو مورد در گزارش دوشنبه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر ۱۸برابرشدن اورانیوم غنی شده ایران نسبت به حد مجاز برجام و همچنین عدم پاسخ‌گویی ایران به سؤالات آژانس درباره پیداشدن مواد هسته‌ای در برخی اماکن طی سه سال گذشته، می‌تواند تمام توجیهات حقوقی ایران را به حاشیه ببرد؛ چراکه اساسا در منظر حقوقی بحث حق یا منطق اخلاقی معنا ندارد، بلکه پارامتر قدرت است که به اقدامات و تصمیمات هر کشوری توجیه و اعتبار حقوقی می‌بخشد؛ یعنی خودم که با روی‌کارآمدن بین‌الملل تعریف و تبیین می‌شود.

دو صورت این گزارش‌های دوشنبه جاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، پیامد مثبتی برای جمهوری اسلامی ندارد.

◆ **اگر نهایتا شاهد صدور قطع‌نامه شورای حکام باشیم، این قطع‌نامه جنبه غیرالزام‌آور برای ایران خواهد داشت یا قطع‌نامه‌ای با ادبیات تند و الزام‌آور در دستور کارشورا قرار خواهد گرفت؟**

همه قطع‌نامه‌های شورای حکام برای اعضا جنبه الزام‌آور دارد؛ اما فعلا نکته تعیین‌کننده به مفاد و متن قطع‌نامه بازمی‌گردد. اگر در قطع‌نامه احتمالی نشست پیش‌روی شورای حکام، اعضا از ایران درخواست مشخصی داشته باشند که احتمالا هم این قطع‌نامه با خواسته‌های مشخص و روشنی همراه خواهد بود. ایران باید خود را با خواسته‌ها، الزامات و انتظارات آژانس تطبیق دهد. البته شورای حکام در قطع‌نامه احتمالی خود فرجه زمانی و فرصت مشخصی را برای ایران به‌منظور اجرایی‌کردن این تطبیق در نظر می‌گیرد تا تهران بتواند به خواسته‌های شورای حکام تمکین کند.

◆ **تمکینی در کار نباشد، پرونده به شورای امنیت می‌رود؟**

نه لزوما. همه تمکین به معنای ارجاع فوری پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل نیست؛ اما اگر ایران از قطع‌نامه شورای حکام تمکین نکند، شاید، تأکید دارم شاید، قطع‌نامه‌ای تندرتر با اجماع بیشتر از سوی اعضای شورای حکام صادر شود. اگر آن زمان ایران کماکان مخالفت خود را با شورای حکام و قطع‌نامه دوم نشان دهد، احتمال ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل وجود دارد.

◆ **با توجه به همین نکته شما، اگر در نهایت پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شود، می‌توان گفت اروپایی‌ها مکانیسم ماشه را اجرا خواهند کرد؟**

همین الان هم می‌توانند مکانیسم ماشه را فعال کنند.

ضمن اینکه در شرایط کنونی که ما شاهد بن‌بست مذاکرات وین، تشدید اختلاف‌ها و احتمال شکست احیای برجام هستیم، هر اتفاقی ممکن است روی دهد. ولی فعال‌کردن مکانیسم ماشه، چه در صورت ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل و چه در هر حالتی دیگر، یک پروسه زمان‌بر و خاص را می‌طلبد که در برجام جزئیات آن مطرح شده است؛ بنابراین این‌گونه نیست که اعضای برجام هر لحظه که خواستند می‌توانند مکانیسم ماشه را فعال کنند و قطع‌نامه‌های شورای امنیت را بازگردانند. بااین‌حال به دلیل آنکه برجام و پرونده فعالیت‌های هسته‌ای بیش از آنکه حالت حقوقی و فنی داشته باشد، متأثر از رقابت‌های سیاسی است، امکان دارد فعال‌کردن مکانیسم ماشه قدری متفاوت و سریع‌تر پیش برود؛ چون فضای سیاسی کنونی بین اروپا و آمریکا به‌شدت متفاوت از دوره دونالد ترامپ است. در زمان رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، شاهد یک کسلس عمیق بین واشنگتن و قاره سبز بودیم که با روی‌کارآمدن جو بایدن این گسل بر شده است و اکنون اروپایی‌ها و آمریکا در

«شرق» در گفت‌وگو با حقوق دان حوزه بین‌الملل به بررسی تبعات حقوقی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران پرداخته است

گزارش آژانس و تکمیل پازل فشار

باید منتظر صدور قطع‌نامه علیه ایران بود؟

شرق: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش روز دوشنبه خود اعلام کرد اورانیوم غنی شده ایران به ۱۸ برابر حد مجاز در برجام رسیده است. در ادامه گزارش چنین عنوان شده است که تهران در ارائه پاسخ‌های «معتبر فنی» به سؤال‌های آژانس درباره پیداشدن مواد هسته‌ای در ایران طی سه سال گذشته ناکام بوده است. بعد از آن، گزارش دوم رافائل گروسی به روزرسانی فنی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمینه نظرات بر اجرای برجام وفق قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت اختصاص پیدا کرد که حاوی آخرین تحولات و همچنین اطلاعات فنی جدید در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. به نظر می‌رسد این ادبیات نسبتاً تند گروسی درخصوص پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران در آستانه برگزاری نشست شورای حکام، با هدف صدور قطع‌نامه احتمالی علیه تهران در دستور کار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفته باشد. ازاین‌رو «شرق» در گفت‌وگویی با یوسف مولایی، استاد

دانشگاه و حقوق‌دان حوزه بین‌الملل، سعی کرده است ارزیابی از درخصوص تبعات حقوقی این دو گزارش بر نشست پیش‌روی شورای حکام و صدور قطع‌نامه علیه ایران داشته باشد.

تا پیش از بن‌بست مذاکرات وین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سعی می‌کرد یک نقش مثبت و سازنده برای حصول هرچه زودتر توافق و احیای برجام داشته باشد؛ اما بعد از بن‌بست مذاکرات و شدیدترشدن اختلاف‌های تهران – واشنگتن، شاهد فضایی هستیم که به نظر می‌رسد احتمال شکست مذاکرات قوی‌تر از موفقیت آن باشد. بنابراین به نظر من آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با درک چنین فضایی، یا از ادامه مذاکرات ناامید شده و سعی کرده است با این دو گزارش خود به جمهوری اسلامی ایران فشار بیآورد تا درخصوص مواضع و

تأیید از بن‌بست مذاکرات وین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سعی می‌کرد یک نقش مثبت و سازنده برای حصول هرچه زودتر توافق و احیای برجام داشته باشد؛ اما بعد از بن‌بست مذاکرات و شدیدترشدن اختلاف‌های تهران – واشنگتن، شاهد فضایی هستیم که به نظر می‌رسد احتمال شکست مذاکرات قوی‌تر از موفقیت آن باشد. بنابراین به نظر من آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با درک چنین فضایی، یا از ادامه مذاکرات ناامید شده و سعی کرده است با این دو گزارش خود به جمهوری اسلامی ایران فشار بیآورد تا درخصوص مواضع و

